

## سناریوهای سیاست خارجی ج.ا.ایران در قبال عادی‌سازی روابط اعراب و اسرائیل در مجموعه امنیتی خاورمیانه: تحلیلی از منظر مدل پیتتر شوارتز

حسن آرایش<sup>۱</sup>

فریبرز ارغوانی پیرسلامی<sup>۲\*</sup>

سیدجواد صالحی<sup>۳</sup>

مرتضی اسمعیلی<sup>۴</sup>

### چکیده

**هدف:** پیمان ابراهیم با محوریت تهدیدسازی از نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی باعث نزدیکی مناسبات اسرائیل و اعراب به‌عنوان دو نیروی رقیب و مخالف ایران شده است. هدف این پژوهش واکاوی تأثیر و تأثر سیاست خارجی ایران و عادی‌سازی مناسبات اعراب و اسرائیل است.

**روش‌شناسی پژوهش:** این مقاله برای تبیین مسئله از نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای به‌عنوان چارچوب نظری و از روش آینده‌پژوهی با اتکا به دو تکنیک روندپژوهی و سناریونویسی به مثابه محور روشی بهره می‌گیرد.

**یافته‌ها:** این مقاله با صورت‌بندی این مسئله که کدام سناریو برای سیاست خارجی ایران در برابر عادی‌سازی مناسبات اعراب و اسرائیل بعد از پیمان ابراهیم می‌تواند در ارتقای این منافع مؤثرتر باشد؟ معتقد است که با توجه به سطح فزاینده و رو به گسترش روند عادی‌سازی، تکمیل ادغام اسرائیل در مجموعه امنیتی خاورمیانه، اصول و آرمان‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در خصوص موجودیت اسرائیل، اختلاف‌های ایدئولوژیک، دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای، نگاه ابزاری و متفاوت کشورهای خلیج فارس و همچنین تصور تهدید از ایران به‌عنوان برهم‌زننده موازنه قوا در منطقه، سناریوی پیگیری حفظ و توسعه روابط دو و چندجانبه با همسایگان عربی و کشورهای منطقه با هدف تضعیف توافق عادی‌سازی میان آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد.

**نتیجه‌گیری:** نتایج این مقاله نشان می‌دهد که توافق ابراهیم، یک عامل دشمنی و تنش‌سازی آشکار علیه جمهوری اسلامی است و الگوی مطلوب ایران می‌تواند تنش‌زدایی با اعراب در چارچوب روندی تعاملی و تدافعی مبتنی بر دیپلماسی تعامل و پیوند و دوستی با اعراب خصوصاً در خلیج فارس باشد.

**کلیدواژه‌ها:** آینده‌پژوهی، مجموعه امنیتی خاورمیانه، پیمان ابراهیم، سیاست خارجی، اسرائیل، اعراب.

**Email:** arayeshhasan@yahoo.com

**Email:** farghavani@shirazu.ac.ir

**Email:** salehi\_j@yahoo.com

**Email:** esmaeli2017@shirazu.ac.ir

۱- دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی، دانشگاه شیراز.

۲- دانشیار روابط بین‌الملل، دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول).

۳- دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه تهران.

۴- استادیار علوم سیاسی دانشگاه شیراز.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۲

## مقدمه

خاورمیانه با برخورداری از موقعیت ویژه استراتژیک، مقوله امنیت در آن به دلیل متغیرهای سطح منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و جهانی از اهمیت بالایی برخوردار است. با تأسیس رژیم اسرائیل در خاک فلسطین در سال ۱۹۴۸ تحولات خاورمیانه وارد مرحله جدید امنیتی شد. این تحولات همواره زمینه‌ساز الگوهای از دوستی و دشمنی میان کشورهای حاضر در مجموعه‌ی امنیتی خاورمیانه بر سر موضوع اسرائیل و مسئله فلسطین شده است. در این الگوها کانون‌های دوستی و دشمنی همواره در حال چرخش بوده که منجر به ظهور و بروز تهدیدهای امنیتی جدیدی پیرامون موضوع دوستی و دشمنی با اسرائیل شده است.

ضرورت و اهمیت موضوع عادی‌سازی عبری-عربی ذیل توافق ابراهیم، که بسیاری از تحلیل‌گران غربی، عربی و اسرائیلی آن را زمینه‌ای برای ایجاد اتحاد در مقابل تهدیدهای ایران قلمداد می‌کنند، برای سیاست خارجی کشور ایران الزاماتی را ایجاد کرده است. در محیط جدید امنیتی خاورمیانه، نظم نوینی در دوران پس از توافق ابراهیم در حال ظهور است که ابعاد امنیتی پنج‌گانه‌ی سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی در پی دارد. در عین حال، گسترش نفوذ و حضور اسرائیل در زیرمنطقه‌ی خلیج فارس، تهدیدهای این توافق را بیشتر نمایان می‌کند. در کنار این، بزرگ‌نمایی از تهدید ایران و دامن زدن به امواج ایران‌هراسی باعث آسیب‌های زیادی به جایگاه هویتی، قدرت نرم و فرهنگ ایران می‌شود.

در همین راستا، در مقاله‌ی حاضر تلاش بر این است تا به بررسی سناریوهای سیاست خارجی ج.ا.ایران در قبال عادی‌سازی روابط اعراب و اسرائیل در مجموعه‌ی امنیتی خاورمیانه بر مبنای تحلیلی از منظر مدل پیتر شوارتز<sup>۱</sup> پردازیم. در این راستا، چارچوب نظری مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای نیز به‌عنوان نظریه مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این مقاله، روند تحولات مناسبات عربی-عبری از سویی و مناسبات ایرانی-اسرائیلی از سوی دیگر مورد مذاقه قرار می‌گیرد. سپس وضعیت کلی تهدیدها و فرصت‌های این موضوع بررسی می‌شود و در نهایت سناریوهای پیش روی ایران مطرح خواهد شد.

## پیشینه و ادبیات پژوهش

«بستری برای عادی‌سازی پیوندهای اعراب و اسرائیل در جریان درگیری» به قلم گادی هیتمن و چن کرچر (۲۰۱۸)، کانال‌های عادی‌سازی روابط میان دو طرف را در بستر حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی اجتماعی که برای سال‌ها پیگیری شده‌اند را مورد بحث قرار می‌دهند. «عادی‌سازی روابط اسرائیل و امارات متحده عربی: به هزینه فلسطینی‌ها؟» مقاله‌ای است به قلم کوبی مایکل و ادی دکل (۲۰۲۰)، تلاش دارد تا الگویی جدید برای دستیابی به حل منازعات و طراحی جدید معماری در خاورمیانه، بر اساس ائتلاف عربی آمریکایی اسرائیلی، ارائه دهند. «ژئوپلیتیک عادی‌سازی روابط عرب اسرائیلی» مقاله‌ای است از امیرا السید حسن صدیق (۲۰۲۱) به روندهای عادی‌سازی پیوندهای عربی اسرائیلی، جهت فهم مسیر آینده می‌پردازد.

نورا ماهر (۲۰۲۰)، در مقاله‌ای تحت عنوان «موازنه بازدارندگی: روابط ایران و اسرائیل در خاورمیانه پرمنازعه» بر این باور است که کانون اصلی کنش‌های سیاسی، نظامی و امنیتی اسرائیل و ایران در خاورمیانه بعد از ۲۰۱۱ با محوریت بازدارندگی بوده است. دالیا داسا کی و شیرا افرون (۲۰۲۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «اسرائیل سیاست خود نسبت به ایران را متحول می‌کند»، تأکید می‌کنند که با توجه به نوع حمایت‌های دولت مستقر در آمریکا و نیز رفتارهای ایران در زمینه‌ی هسته‌ای و سیاست‌های منطقه‌ای، سیاست‌گذاری در داخل اسرائیل نیز دچار تحول می‌شود. یوهان ینسهگان<sup>۱</sup> (۲۰۲۳) در مقاله‌ی «اسرائیل و توافقات ابراهیم: گسترش ناموفق، خلاصه سیاست شرق میانه» به بررسی سیاست خارجی ایران و اسرائیل پس از توافق ابراهیم می‌پردازد. از دید وی، سیاست خارجی بنیامین نتانیا هو، نخست‌وزیر اسرائیل، در جهت تضعیف ایران، گسترش پیمان ابراهیم و کنار زدن مسئله‌ی فلسطین در همه‌ی سطوح است. فرشاد رومی (۲۰۲۳) در مقاله‌ی «مناقشه‌ی ایران و اسرائیل: توضیحی فرایدئولوژیک» دشمنی ایران با اسرائیل را در وهله اول ایدئولوژیک و در درجه دوم استراتژیک معرفی می‌کند. از دید وی ایران قصد دارد از طریق اقدامات و پیام‌های ضد اسرائیلی، جمعیت خود را در داخل بسیج کند و از بیرون مدعی رهبری جهان اسلام و ایجاد توازن در برابر یک قدرت هسته‌ای منطقه باشد. «پیمان ابراهیم: دیدگاه تطبیقی سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه»، پایان‌نامه ارشد به قلم الکساندر آبراهامسن میروولد (۲۰۲۲) است. از دید وی توافقات ابراهیم از جهات مختلف بر منطقه تأثیر گذاشت و در آینده قابل پیش‌بینی نیز این تأثیر را ادامه خواهد داد. از جمله مهم‌ترین تأثیرات، ابعاد اقتصادی و امنیتی است که پتانسیل گسترده‌ای برای توسعه‌ی صلح‌آمیز آینده در منطقه دارد. ابداع این مقاله، خوانشی نظری و کیفی از توافق ابراهیم از منظر جمهوری اسلامی ایران و نیز سناریوهای پیش روی آن است.

### چارچوب نظری و روشی

در بخش نظری مقاله از مجموعه‌های امنیتی بوزان و ویور استفاده شده و در بخش روشی جهت تحلیل سناریوهای پیش‌رو، از روش برنامه‌ریزی سناریوی پیتر شوارتز بهره گرفته شده است. نظریه‌ی مجموعه‌های امنیت منطقه‌ای برای اولین بار توسط بری بوزان<sup>۲</sup> (۱۹۸۳) در سال ۱۹۸۳ در کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس: مشکل امنیت ملی در روابط بین‌الملل»<sup>۳</sup> ارائه شد، در حالی که توسعه‌ی بیشتر آن پس از جنگ سرد صورت گرفت و نام مکتب کپنهاگ گرفت (عبداله‌خانی، ۲۰۱۰: ۱۱۹). آن‌ها مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای را چنین تعریف می‌کنند: «مجموعه‌ای از واحدهایی که فرآیندهای اصلی

1. Jensehaugen, Jørgen

2. Buzan

3. People, States and Fear: The National Security Problem in International Relations

آن‌ها از امنیت‌سازی و امنیت‌زدایی یا هر دو، آن‌قدر به هم مرتبط هستند که مشکلات امنیتی آن‌ها را نمی‌توان به‌طور منطقی جدا از یکدیگر تحلیل یا حل کرد» (بوزان، ویور و دوپلد، ۱۹۹۸: ۲۰۱).

از دید بوزان و ویور مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای در سراسر سیستم بین‌المللی وجود دارند و «با الگوهای پایدار دوستی و دشمنی که به شکل الگوهای زیرجهانی و جغرافیایی منسجم از وابستگی متقابل امنیتی تعریف می‌شوند» (بوزان و ویور، ۲۰۰۳: ۴۵). از این‌رو، عناصر کلیدی مجموعه‌های امنیت منطقه‌ای عبارت‌اند از «شدت نسبی روابط امنیتی بین دولتی، الگوهای دوستی و دشمنی و توزیع قدرت» آن‌ها استدلال می‌کنند که برای این‌که یک منطقه جغرافیایی به‌عنوان یک مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای واجد شرایط باشد، دولت‌های هم‌جوار یا از نظر جغرافیایی نزدیک باید دارای سطح خاصی از وابستگی متقابل امنیتی باشند (بوزان و ویور، ۲۰۰۳: ۴۷-۴۸). این مداخله‌ی خارجی در هر دو سطح امنیت‌سازی و امنیت‌زدایی از یک مسئله‌ی امنیتی در هر یک از سطوح پنج‌گانه سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی صحت دارد.

در نهایت، فرایند امنیتی‌ساختن در مکتب کپنهاگ شامل سه مرحله است: ۱) شناسایی تهدیدات اساسی؛ ۲) اقدام اضطراری و فوری، و ۳) ایجاد تأثیر بر روابط بین‌واحد (شامل رویه‌های بوروکراتیک بنا شده) به‌وسیله‌ی نقض قوانین (جوان شهرکی، ۲۰۱۳: ۶۵-۶۶). در این چارچوب امنیتی‌ساختن نیازمند درک از تهدید اصلی؛ توانایی و قدرت معلق کردن قوانین وضع شده برای پاسخ به تهدیدات؛ و توانایی متقاعد کردن دیگران از احساس خطر و نیاز به نقض قوانین برای بقاست.

برای تکمیل رویکرد نظری به یک چارچوب روشی نیز نیاز هست. شوارتز در کتاب خود روند برنامه‌ریزی سناریو را مرحله به مرحله تشریح می‌کند. این فرآیند هشت مرحله را دنبال می‌کند (شوارتز، ۱۹۹۱: ۲۴۱-۲۴۶) این مراحل عبارت‌اند از:

موضوع یا تصمیم کانونی را شناسایی کنید: در این گام اول، شوارتز توضیح می‌دهد که ضروری است با یک تصمیم یا موضوع خاص شروع شود و سپس پیامدهای این تصمیم در محیط جستجو شود (شوارتز، ۱۹۹۱: ۴۹).

نیروهای کلیدی در محیط منطقه‌ای: اولین اطلاعاتی که برای توسعه‌ی سناریوها لازم است، عوامل کلیدی است که بر موضوع یا تصمیم کانونی تأثیر می‌گذارد (شوارتز، ۱۹۹۱).

نیروهای پیشران: مرحله بعدی بررسی نیروهای پیشران در محیط کلان (نیروهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، زیست‌محیطی و فناوری) و همچنین در محیط خرد (جمعیت‌شناسی، افکار عمومی و غیره) است (شوارتز، ۱۹۹۱: ۶۲).

---

1. Buzan, Wæver & de Wilde

2. Schwartz

رتبه‌بندی بر اساس اهمیت و عدم قطعیت: عدم قطعیت‌های بحرانی امیدها و ترس‌های ما هستند. عدم قطعیت‌های بحرانی با زیر سؤال بردن مفروضات ما در مورد عناصر از پیش تعیین شده پیدا می‌شوند (شوارتز، ۱۹۹۱).

**انتخاب منطق سناریو:** به گفته‌ی شوارتز پربارترین طرح‌ها در برنامه‌ریزی سناریو عبارت‌اند از: **برندگان و بازندگان:** این بازی حاصل جمع صفر است. در این شرایط تعارض اجتناب‌ناپذیر است. **چالش و پاسخ:** این عملی و واکنشی است. **تکامل:** تغییرات تکاملی به آرامی ایجاد می‌شوند. به همین دلیل آگاهی از این که این تغییرات در حال وقوع هستند دشوار است. **انقلابی:** این وضعیت نادری است مانند زلزله، فوران آتش‌فشان، انقلاب سیاسی و غیره. پیش‌بینی آن سخت است، اما آن‌ها را در نظر می‌گیرند زیرا قابل قبول هستند. **چرخه‌ها:** این به نظریه‌ی اقتصادی مربوط می‌شود. مهم این است که زمان چرخه‌ها را بدانید. **احتمالات بی‌نهایت:** این طرح با درک عمومی شروع می‌شود، جهان بی‌نهایت گسترش و بهبود خواهد یافت. **تکاور تنها:** این یک منطق اجتماعی است. وقتی چیزی به شکل نامنسجمی اتفاق می‌افتد. **نسل من:** فرهنگ نسل ما همیشه هنگام ایجاد سناریو بر کاربران سناریو تأثیر می‌گذارد (شوارتز، ۱۹۹۱: ۱۳۹-۱۵۵).

**تشریح سناریوها:** در این نقطه، لازم است تعامل بین این عوامل کلیدی و روندها با سناریو در نظر گرفته شود. دانستن چگونگی و چرایی تلاقی نیروها ضروری است (شوارتز، ۱۹۹۱). **پیامدها یا تهدید و فرصت‌ها:** اکنون باید پیامدهای تصمیم‌های سناریوهای ایجادشده را جستجو کرد (شوارتز، ۱۹۹۱).

**انتخاب شاخص‌ها و نشانه‌های راهنما:** در این مرحله‌ی آخر، کاربران سناریو باید چند شاخص را پیدا کنند که آن‌ها را به آینده راهنمایی کند. این شاخص‌ها باید با دقت و تخیل انتخاب شوند (شوارتز، ۱۹۹۱: ۲۰۱).

### معضل امنیتی اسرائیل و الگوهای دوستی و دشمنی در مجموعه

یک سال پیش از تشکیل دولت اسرائیل، در سال ۱۹۴۷، کمیته‌ی ویژه‌ی سازمان ملل متحد در مورد فلسطین توصیه کرد که غرب فلسطین باید به یک کشور یهودی، یک کشور عربی و یک قلمرو تحت کنترل سازمان ملل، در اطراف اورشلیم تقسیم شود. این طرح تقسیم در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ با قطعنامه‌ی ۱۸۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، با ۳۳ رأی موافق، ۱۳ رأی مخالف و ۱۰ رأی ممتنع به تصویب رسید (آژانس یهود برای اسرائیل، ۲۹ نوامبر، ۱۹۷۴). این رأی به برگزاری جشن در جوامع یهودی و تظاهرات در جوامع عرب در سراسر فلسطین منجر شد.

پس از آن چهار دوره جنگ (جنگ ۱۹۴۸، جنگ ۱۹۵۶، جنگ ۱۹۶۷ و بحران کانال سوئز و تحریم نفتی غرب از سوی کشورهای اوپک) رخ داد، اما در جنگ آخر تحول عظیمی رخ داد. در جنگ یوم کیپور، با وجود

شکست نهایی، جهان عرب از نظر روانی با موفقیت‌های اولیه در مناقشه‌ی ۱۹۷۳، احساس غرور کرد. اسرائیلی‌ها دریافتند که علی‌رغم دستاوردهای عملیاتی و تاکتیکی چشم‌گیر در میدان نبرد، هیچ تضمینی وجود ندارد که آن‌ها همیشه از نظر نظامی بر کشورهای عربی تسلط داشته باشند (جنینگز و تروتیر<sup>۱</sup>، ۱۶ دسامبر، ۲۰۲۲). این تغییرات راه را برای روند صلح اسرائیل و فلسطین هموار کرد که از توافق کمپ دیوید میان مصر اسرائیل شروع شد و سپس با صلح اسرائیل و اردن تقویت شد و به توافق ابراهیم منجر شد.

### جمهوری اسلامی و اسرائیل: الگوی دشمنی پایدار

طی چند هفته پس از انقلاب اسلامی، تهران تمامی پیوندهای رسمی خود را با اسرائیل قطع کرد و اما جنگ ایران و عراق باعث شد تا اسرائیل به ایران سلاح بفروشد (آلپر<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵: ۹۰). با این حال، این امر دشمنی تهران با اسرائیل را کاهش نداد. لذا پس از فروپاشی شوروی، اسرائیل دریافت که باید به هر شکل ممکن ایران را منزوی گرداند، تا بدین شکل بتواند امنیت خود را حفظ کند. امضای قرارداد صلح با مصر، صلح اسلو با فلسطینی‌ها در سال ۱۹۹۳م و سپس صلح با اردن، تلاش اسرائیل برای ورود به قفقاز و آسیای مرکزی، آغاز اتحاد استراتژیک میان ترکیه و اسرائیل، ورود اسرائیل به خلیج فارس به بهانه‌ی اجلاس اقتصادی خاورمیانه در راستای محاصره‌ی ایران صورت می‌گرفت. از سوی دیگر اسرائیلی‌ها با استفاده از لابی قدرتمند یهود در آمریکا سعی وافر داشتند تا از هر گونه بهبود روابط آمریکا و ایران جلوگیری به عمل آورند. در این چارچوب، رقابت هسته‌ای اسرائیل و ایران احتمالاً از الگوی تاریخی معروف به «پارادوکس ثبات-بی‌ثباتی» پیروی می‌کند، که در آن، ثبات ایجاد شده توسط تخریب متقابل تضمین شده، در نتیجه با ایجاد تحریکات، اختلافات و درگیری‌ها در زیر آستانه‌ی هسته‌ای «ایمن»، بی‌ثباتی بیشتری ایجاد می‌کند (کاهل و دیگران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۲: ۱۹). علاوه بر افزایش تهدیدهای مستقیم علیه اسرائیل در شام و جاهای دیگر، سلاح‌های هسته‌ای ایران ممکن است آزادی عمل اسرائیل را برای پاسخ به این چالش‌ها محدود کند (کاهل و دیگران، ۲۰۱۲: ۲۱).

افزون بر این، باور این است که در واقع ایران جنگ با اسرائیل را از طریق حزب‌الله لبنان و نیروهای نیابتی دیگر آغاز کرده است. همچنین ایران به‌عنوان حامی حماس و جهاد اسلامی در سرزمین‌های اشغالی نگرانی فزاینده‌ای را در تل‌آویو به‌وجود آورده است (احتشامی، ۱۹۹۹: ۸۸). ایران در برهم‌زدن نظم منطقه‌ای مطلوب غرب، اسرائیل و عربستان نیز اقدامات زیادی کرده است که نشان از توانایی مانور آن است. مهم‌ترین آن‌ها حمله‌ی ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۹ توسط پهپاد به دو تأسیسات نفتی مهم عربستان بود. با این حال، تهران بسیار

---

1. Jennings and Trottier  
2. Alpher  
3. Kahl et al

مراقب بود تا از تشدید تنش جلوگیری کند و حملات را محصول شبه‌نظامیان محلی معرفی کرد (رابین<sup>۱</sup>، فوریه ۲۰۲۰). نتیجه‌ی تحولات پیش‌گفته در تنش ایرانی-عربی و ایرانی-اسرائیلی، توافق ابراهیم بود.

### توافق ابراهیم: محورهای پیچیده‌ی دوستی و دشمنی

در سپتامبر ۲۰۲۰، با امضای توافقنامه‌ی ابراهیم در کاخ سفید - به‌طور رسمی پیمان صلح، روابط دیپلماتیک و عادی‌سازی کامل بین امارات متحده عربی و دولت اسرائیل - که صراحتاً با هدف تقویت توسعه روابط انجام شد، آغاز گردید. پیمان ابراهیم نام خود را از ابراهیم، پدرسالار مشترک سه دین توحیدی یهودیت، مسیحیت و اسلام گرفته است (سینگر<sup>۲</sup>، ۲۰۲۱). همان‌طور که در سند اعلامیه پیمان ابراهیم آمده است، این نام و پیشینه‌ی دینی از اهمیت بالایی برخوردار است و معنای نمادین آشتی بین سه دین مسلط در خاورمیانه را به همراه دارد: «ما تلاش‌ها را برای ترویج گفت‌وگوی بین ادیان و فرهنگ‌ها برای پیشبرد فرهنگ صلح میان سه دین ابراهیمی و تمام بشریت تشویق می‌کنیم» (اداره امور خاور نزدیک<sup>۳</sup>، ۲۰۲۰). طبق این ادعا، ارزش و هویت مشترک منتج از ریشه‌ی دینی ادیان، اکنون در قامت پیشران صلح و دوستی ظاهر شده بود.

در چارچوب تحلیل الگوی امنیتی‌زدایی از تنش با اسرائیل و حل معضل امنیتی مذکور، قدرت‌های موجود در توافق می‌خواهند وضعیت موجود را در منطقه حفظ کنند و به دنبال حفظ نظم مستقر، تداوم نحوه‌ی توزیع قدرت و رعایت قوانین فعلی بازی هستند، زیرا آن‌ها می‌خواهند از آن سود ببرند، در این مورد ذینفعان اسرائیل، بحرین و امارات هستند (یوسف<sup>۴</sup>، ۲۰۲۱). قدرت‌های تجدیدنظرطلب در منطقه، عمدتاً ایران و ترکیه، می‌خواهند تغییری را بر نظم مستقر تحمیل کنند و موقعیت خود را در درون نظم مجموعه را بهبود بخشند یا کلیت آن را به نفع خود تنظیم کنند (زیونتز<sup>۵</sup>، ۲۰۰۶). یکی از مهم‌ترین مشوق‌های دولت‌های موجود برای تحقق توافق، بازدارندگی تجدیدنظرطلبان برای تغییر شکل منطقه به دلخواهشان بود، این امر به دلیل عقب‌نشینی ایالات متحده از منطقه بسیار سرعت گرفت (یوسف، ۲۰۲۱). در نتیجه، واکنش به توافق از سوی ایران قابل توجه است.

زمانی که جهان به استقبال توافق رفت، در ایران این توافق به‌عنوان یک تهدید جدی ثبت شد. یک روز پس از توافق، وزارت امور خارجه‌ی ایران این پیمان را به‌عنوان «حماقت راهبردی» و «خنجر امارات به پشت مردم فلسطین» محکوم کرد. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی عادی‌سازی را «حماقت تاریخی» نامید که «آینده‌ای خطرناک» را برای رهبری امارات به همراه خواهد داشت. در همان روز، حسن روحانی، توافق را «خیانت» توصیف کرد. در ۱۶ اوت، محمد باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح تأکید کرد: «اگر اتفاقی

---

1. Rubin  
2. Singer  
3. Bureau of Near Eastern Affairs  
4. Yossef  
5. Zions

در خلیج فارس بیفتد و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، هر چند جزئی، دچار نقض شود، امارات را مسئول می‌دانیم و آن را تحمل نمی‌کنیم» (بهروش و عزیزی<sup>۱</sup>، ۱۴ سپتامبر، ۲۰۲۰). این نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی این توافق را دقیقاً به‌عنوان تهدیدی جدی قلمداد کرده است.

اما دلایل پشت این توافق از منظر محور عربی-عبری را می‌توان ناشی از چند عامل کلیدی دانست: نخست، خستگی جهان عربی از مسئله فرسایشی فلسطین که هیچ راه‌حل دائمی، توافق پایدار یا تنش‌زدایی برای آن وجود نداشت. دوم، مضرات و آسیب‌های سیاسی و اقتصادی قطع روابط عربی-عربی که ناشی از تحریم و عدم عادی‌سازی بود باعث تضعیف روند توسعه‌ی منطقه شده بود. سوم، تشدید نفوذ ایران، تنش‌های آن با محور عربی در یمن و سوریه و عراق، که باعث احساس تهدید آن‌ها در مجموعه‌ی امنیتی خاورمیانه شده بود. چهارم، ترس از توافق احتمالی دوباره‌ی غرب و ایران در برنامه‌ی هسته‌ای، که کشورهای عربی و اسرائیل آن را یک تهدید اصلی برای خود می‌دانند. پنجم، ضرورت تقویت الگوی دوستی در خارج از حلقه‌ی عربی که در سال‌های گذشته میان عربستان، امارت، مصر و دیگر شرکای عربی در خلیج فارس و خاورمیانه بسته شده بود، با محوریت قدرت منطقه‌ای چون اسرائیل. ششم، ایجاد حلقه‌ای از اتحاد عربی-عبری در مقابل حلقه‌ی غیرعربی ترکیه و ایران. هفتم، امنیتی‌زدایی از اسرائیل و جایگزینی آن با محوریت ایران و گروه‌های نیابتی آن. هشتم، تقویت روابط درون منطقه‌ای با محوریت عربی-عبری و آمادگی برای خروج آمریکا از منطقه و کنترل نظم آن به سوی محور مذکور در مقابل ایران. حال که کلیت تحولات منطقه‌ای با حضور ایران، کشورهای عربی و اسرائیل مطرح شد، و توافق به‌عنوان یک پیمان ضدایرانی شناسایی شد، ضروری است سناریوهای پیش روی ایران مطرح شود.

### سناریوهای پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران

این مقاله سه سناریوی ذیل را برای آینده‌ی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال توافق ابراهیم تصور می‌کند.

#### سناریوی بدبینانه‌ی نامطلوب: تقویت الگوی دوستی علیه ایران

نیروهای کلیدی در محیط منطقه‌ای: نیروهای اصلی در محیط منطقه‌ای عبارت‌اند از اسرائیل که نقش اصلی را در عادی‌سازی بازی می‌کند. پس از آن محور عربی با تمرکز بر زیرسیستم خلیج فارس قرار دارد. در مقابل، ایران و نیروهای نیابتی آن در محور مقابل بازیگران فوق‌الذکر قرار دارند.

منطق سناریو: منطق سناریو انقلابی است چرا که پیش‌بینی آن سخت است، اما آن‌ها را در نظر می‌گیرند زیرا قابل قبول هستند، هر چند آرمانی می‌نمایند و دور از انتظار و دگرگون‌کننده هستند. در این چارچوب، بر



اثر وضعیت دومینویی، توافق نامه ابراهیم می‌تواند کشورهای عربی دیگر را تشویق کند تا موافقت‌نامه‌های همکاری دوجانبه و عادی‌سازی را با اسرائیل امضا کنند (نورلن و سینای<sup>۱</sup>، اکتبر ۲۰۲۰).

**نیروهای پیشران:** آنچه در بخش نیروهای پیشران مهم است، جذابیت روابط میان اسرائیل و کشورهای طرف توافق است که در چشم دیگر کشورها و نیروهای پیشران آنان نشسته و تمایل به ورود به توافق را افزایش می‌دهد. در چارچوب نیروهای پیشران این سناریو، تقریباً ۳۰۰۰۰۰ گردشگر اسرائیلی از سال ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۲ از امارات دیدن کرده‌اند. در بُعد هویتی جشن‌های رسمی اعیاد مذهبی یهودیان در دبی برگزار شد و نمایشگاه دائمی یادبود هولوکاست در موزه چهارراه تمدن‌ها<sup>۲</sup>، در سال ۲۰۲۱ در همین شهر افتتاح شد. حجم تجارت دوجانبه‌ی اسرائیل و امارات از آگوست ۲۰۲۰ به بیش از یک میلیارد دلار رسیده است. توافق‌نامه‌ی تجارت آزاد در پایان ماه مه ۲۰۲۲ پس از تنها پنج ماه مذاکره امضا شد. قبلاً در اواخر سال ۲۰۲۰، اولین معاهده‌ی سرمایه‌گذاری دوجانبه امضا شد. پس از دیدار بنت در دسامبر ۲۰۲۱، دولت اسرائیل در ۲۳ ژانویه، صندوق مشترک اسرائیل و امارات متحده عربی را برای پروژه‌های فن‌آوری تأیید کرد. هدف این است که توسعه اقتصادی و فناوری برای مقابله با چالش‌هایی مانند تغییر آب‌وهوا و بیابان‌زایی تقویت شود (داشتر<sup>۳</sup>، ۵ نوامبر ۲۰۲۲).

در مورد بحرین، علاوه بر همکاری در زمینه‌های کلیدی مانند امنیت و تجارت، بهداشت، کشاورزی، گفت‌وگوی ادیان و تماس مردم با مردم (فرهنگ، آموزش، دانشگاه، جوانان) نیز مورد تأکید قرار گرفته است. مذاکرات در مورد مالیات و موافقت‌نامه‌های حمایت از سرمایه‌گذاری آغاز شده است. پروازهای منظم بین تل‌آویو و منامه بلافاصله پس از این بازدید آغاز شد (گروه سیاست‌گذاری اسرائیل<sup>۴</sup>، ۲۰۲۲).

اسرائیل و مراکش در دسامبر ۲۰۲۰ تفاهم‌نامه‌ای را در زمینه‌ی مالی و سرمایه‌گذاری امضا کردند و افتتاح سفارتخانه‌های خود را در سال ۲۰۲۱ آغاز کردند. هدف اصلی در اینجا تعمیق همکاری در زمینه مسائل امنیتی، هموار کردن راه برای به اشتراک‌گذاری اطلاعات و فروش تسلیحات آتی مانند هواپیماهای بدون سرنشین، سیستم‌های زمین به هوا و سایر تجهیزات نظامی پیشرفته بود. جدای از آن، روابط اقتصادی با سفر اورنا باربیوای وزیر اقتصاد و صنعت اسرائیل در فوریه ۲۰۲۲ تشدید شد. پنج سال آینده، تسهیل تجارت و سرمایه‌گذاری با حذف موانع تجاری و شیوه‌های تبعیض‌آمیز - به‌ویژه در صنایع هوافضا، خودرو، کشاورزی، نساجی و صنایع دارویی - رخ خواهد داد. این توافق‌نامه همچنین همکاری بین سازمان‌های بخش خصوصی، تجار و اتاق‌های بازرگانی را پیش‌بینی می‌کند. در همین راستا، پروازهای مستقیم بین رباط و تل‌آویو از سر گرفته شده است (داشتر<sup>۳</sup>، ۵ نوامبر ۲۰۲۲).

**تشریح سناریو:** کشورهای عربی احساس تهدید و ترس زیادی از نفوذ منطقه‌ای ایران، گروه‌های نیابتی و برنامه‌ی هسته‌ای آن دارند. در عین حال، اسرائیل نیز این برنامه را به‌عنوان تهدیدی عمیق علیه خود

1. Norlen and Sinai
2. Crossroads of Civilizations Museum
3. Dachtler
4. Israel Policy Pod

قلمداد می‌کند. نفوذ منطقه‌ای آن باعث آشوب در اسرائیل و سرزمین‌های اشغالی و نوار غزه شده که با حمایت از گروه‌های شبه‌نظامی فلسطینی همراه شده است. در نتیجه، محور عربی-عبری، با بزرگ‌نمایی از تهدید ایران، نه‌تنها روند عادی‌سازی را سرعت بخشیده، بلکه دامنه‌ی آن را به کل زیر منطقه‌ی خلیج فارس گسترش داده و به‌سرعت آن را به جهان عرب-اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا نیز گسترش می‌دهند. اسرائیلی‌ها امیدوارند که کشورهای عربی بیشتری وارد توافق شوند و گزارش‌ها ادعا می‌کنند که عربستان سعودی به «همکاری نظامی و اطلاعاتی» ابراز علاقه کرده است، در حالی که عمان قبلاً به روابط امنیتی و تجاری علاقه نشان داده است (ام.ای.ای استف<sup>۱</sup>، ۲۱ آگوست، ۲۰۲۰). ایجاد «سیستم دفاع هوایی مشترک<sup>۲</sup>» - دفاع هوایی خاورمیانه، یکی از اهداف این همگرایی است. یابر لاپید، وزیر امور خارجه سابق اسرائیل، این کشور را «معماری جدید منطقه‌ای» نامید که هدف اصلی آن بازدارندگی ایران و نیروهای نیابتی آن است (حیران نیا<sup>۳</sup>، ۲۱ ژوئن، ۲۰۲۳).

**تهدیدهای سناریو: نخست؛** در صورت ظهور یک محور عربی-عربی در خاورمیانه، با پیش‌شرط گسترش منطقه‌ای آن به زیرسیستم خلیج فارس تا شمال آفریقا که به ظهور الگوی دوستی و اتحاد میان آن‌ها و تبدیل ایران به دشمن درجه یک همراه باشد، ایران به یک بازیگر منزوی و تنها در خاورمیانه بدل خواهد شد. دوم؛ انزوای ایران، تهدید دیگری است که به تضعیف و از بین رفتن نفوذ منطقه‌ای ایران منجر خواهد شد. سوم؛ در نتیجه‌ی کاهش نفوذ و افزایش انزوای ایران، شاهد کاهش کارکرد و تأثیرگذاری ایدئولوژی ضدصهیونیستی آن در سطح ملی و منطقه‌ای خواهیم بود. چهارم؛ پیمان ابراهیم پس از تمرکز شدید بر ایجاد روابط دوستی با دولت‌های منطقه، به سمت ایجاد پیوند با گروه‌های ضدانقلاب خواهد رفت. پنجم؛ عادی‌سازی روابط عربی-عربی، ایجاد الگوی دوستی و اتحاد میان آن‌ها باعث تقویت حضور و نفوذ اسرائیل در خلیج فارس می‌شود. ششم؛ پیامد پنج تهدید فوق، منجر به تهدید ششمی خواهد بود که ابتدا برنامه‌ی اتمی ایران را هدف قرار خواهد داد و در صورتی که جمهوری اسلامی به پاسخ موشکی و پهبادی متقابل دست بزند، جنگ نیز به راه خواهد افتاد.

**فرصت‌های سناریو:** تنها فرصت جمهوری اسلامی در این سناریو، تبدیل شدن به یگانه حامی آرمان فلسطین و مقابله با اسرائیل به‌عنوان یک دولت اشغالگر خواهد بود. این فرصت نیز، برون‌داد چندی برای جمهوری اسلامی نخواهد داشت، چراکه نیرویی در منطقه باقی نمانده که بتواند چنین آرمانی را برای جمهوری اسلامی پیش ببرد.

**امکانیت سناریو:** در چارچوب آنچه گفته شد، این یک سناریوی آرمانی برای اسرائیل، اعراب و غرب خواهد بود. در مقابل، یک سناریوی بسیار بد و فاجعه‌بار برای جمهوری اسلامی است. اما امکانیت این سناریو پایین است. این یک سناریوی نامحتمل است که کشورهای عربی خاورمیانه به شکل یک‌دست قادر به

---

1. MEE Staff  
2. joint air defense system  
3. Heiran-Nia

اتحاد با اسرائیل و همراهی با آن در دشمنی با ایران باشند. با این حال، از سویی که به نقش خود اسرائیل و نیز سیاست‌های مداخله‌گرایانه‌ی آمریکا علیه ایران مربوط است. تحلیلگر اسرائیلی زوی یحزکلی<sup>۱</sup> می‌گوید که این پویایی خطرناک می‌تواند به فاجعه منتهی شود: «ایران با درک انحطاط قدرت نسبی خود چاره‌ای جز هسته‌ای شدن نخواهد داشت. لذا یک جنگ فرسایشی مستمر، اگر فقط قابل تحمل باشد، عارضه‌ی جانبی ناگوار عادی‌سازی حداکثری خواهد بود. این وضعیت به احتمال زیاد منجر به تشدید تنش‌ها، افزایش اصطکاک و حتی درگیری‌های مجدد (نیابتی) بین طرفین خواهد شد» (نورلن و سینای، اکتبر ۲۰۲۰).

### سناریوی آرمانی برای ایران: الگوی دشمنی و چرخش معکوس در عادی‌سازی

**نیروهای کلیدی در محیط منطقه‌ای:** نیروهای اصلی در محیط منطقه‌ای عبارت‌اند از اسرائیل، ایران، کشورهای خاورمیانه، با تأکید بر بازیگران حاشیه‌ی جنوبی خلیج فارس، نیروهای نیابتی ایران. طرف ایرانی بر روی هماهنگی فزاینده میان شبه‌نظامیان سرمایه‌گذاری می‌کند (برودسکی<sup>۲</sup>، ۳ آگوست، ۲۰۲۳).

**انتخاب منطق سناریو:** این سناریو دو منطق درونی دارد: نخست، منطق درونی انقلابی و دوم منطق درونی برندگان و بازندگان. در چارچوب منطق انقلابی، یک انقلاب منفی علیه عادی‌سازی رخ داده و بازگشت به نقطه‌ی دشمنی و تنش عبری-عربی در این سناریو پیش‌بینی شده است. در سوی بازندگان نیز، هم اعراب و هم اسرائیل بازنده خواهند بود. این بازی حاصل جمع صفر است. در این شرایط تعارض اجتناب‌ناپذیر است.

**نیروهای پیشران:** برخلاف سناریوی پیشین، **نیروهای اجتماعی** و در کل **افکار عمومی** از گروه‌های مذهبی، جنبش‌های اجتماعی، گروه‌های فرهنگی، هنری، آکادمیسین‌های جهانی عرب جهان عرب و تا حدودی صهیونیست‌های اسرائیلی مخالفت پیش‌شرط‌ها و توافق‌های عربی اسرائیل خواهند بود. **نیروهای اقتصادی** غالباً بر منطق منافع و بازار می‌چرخد، اما از ترس فشار افکار عمومی و نیروهای اجتماعی روابط با نیروهای اقتصادی یهودی را گسترش نخواهند داد. **نیروهای سیاسی** از احزاب اصلی در کشورهای عربی و نیروهای راست افراطی در کشور اسرائیل، در کنار بخشی از سیاست‌مداران عرب با الگوی عادی‌سازی توافق ابراهیم و گسترش آن مخالفت کرده و زمینه برای شکست آن و بازتولید دشمنی میان محور عربی-عبری ایجاد می‌شود. به‌عنوان مثال، همکاری بین ایران و گروه‌های نیابتی‌اش، مانند حماس و جهاد اسلامی فلسطین در حال افزایش است. شورای راهبردی روابط خارجی ایران در فوریه ۲۰۲۰ پیش‌بینی کرد: «سرزمین‌های اشغالی در آینده شاهد انتفاضه‌ی جدیدی علیه رژیم صهیونیستی خواهند بود که بیش از انتفاضه قبلی از سوی ایران حمایت می‌شود». و در اوایل سپتامبر، حماس و حزب‌الله لبنان جلساتی را با هدف تسهیل همکاری بیشتر برگزار کردند (لندن<sup>۳</sup>، ۱۶ اکتبر، ۲۰۲۰).

1. Zvi Yehezkeili

2. Brodsky

3. London

در نبود توافق و دشمنی، مسیر چرخش تکنولوژی و همکاری محدود خواهد شد و گاهاً بسته خواهد ماند. در سمت نیروهای جمعیت‌شناختی نیز، جمعیت کشورهای عربی-اسلامی حدود ۴۰۶ میلیون نفر است (چشم انداز جمعیت جهان<sup>۱</sup>، ۲۰۲۲). در مقابل جمعیت اسرائیل تنها ۹،۰۶۴،۸۹۶ است (ورلد متر<sup>۲</sup>، ۲۰۲۳). در این سناریو، نقش اکثریت نیروی جمعیتی عربی، به‌عنوان یک پیشران منفی علیه عادی‌سازی عمل کرده و حاضر به پذیرش دوستی و ارتباط با اسرائیل نخواهد شد.

### تشریح سناریوها

در این سناریو، ایران و نیروهای نیابتی آن، با چرخش معکوس در سناریوی عادی‌سازی و بازگشت به وضعیت تنش و دشمنی عبری-عربی، نفوذ و قدرت مانور پیش از عادی‌سازی را بازیافته و اسرائیل در انزوا و تحریم عربی باقی خواهد ماند. بسیاری از رویدادها و تنش‌های اخیر باعث شده است که تصورات ایرانیان از ضعف اسرائیل به‌وجود آید. برخی از برجسته‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از تظاهرات گسترده مردمی بر سر تصویب قانونی اخیر کنست که توانایی دیوان عالی را برای لغو تصمیمات دولتی تحت استاندارد «معقول بودن» محدود می‌کند. افزایش موارد استعفای نیروهای ذخیره و افت روحیه به دلیل سیاست‌های بحث برانگیز دولت، در نتیجه تضعیف آمادگی نیروهای دفاعی اسرائیل. فاصله گرفتن دولت بایدن از دولت بنیامین نتانیا هو، به‌ویژه در عدم تمایل چندماهه به دعوت رسمی نخست‌وزیر اسرائیل به کاخ سفید، نمونه‌ای از آن‌ها است. روی هم رفته، این تحولات وحدت داخلی اسرائیل را از بین برده و سلامت مشارکت‌های استراتژیک بین‌المللی آن را به خطر انداخته است و در نتیجه توانایی این کشور برای بازدارندگی قابل اعتماد دشمنان منطقه‌ای خود را تضعیف می‌کند (برودسکی، ۳ آگوست، ۲۰۲۳). در عین حال، در پایان نفوذ آمریکا در خاورمیانه، نفوذ چین و روسیه برای ایجاد بلوک ضدآمریکایی تقویت خواهد شد.

**تهدیدهای سناریو: نخست:** نخستین تهدیدی که از سناریوی چرخش معکوس عادی‌سازی به دشمنی میان اعراب و اسرائیل، بازگشت تل‌آویو به برنامه‌ی اقدام یک‌جانبه علیه برنامه‌ی اتمی ایران است. دوم: مادامی که ایران دارای قدرت و نفوذ منطقه‌ای باشد، اسرائیل هم از ترس اعراب و ایران بیش‌ازپیش به تقویت توانایی نظامی خود و اقدامات عملیاتی دست می‌زند، و اعراب نیز از ترس ایران و اسرائیل، به تقویت توانایی نظامی و نمایش قدرت نظامی خود خواهد پرداخت. سوم: مادامی که دو تهدید پیشین و تهدیدهای بعدی را لحاظ کنیم، یک احساس تهدید دائمی از ایران در میان اعراب، خصوصاً در زیرسیستم خلیج فارس نسبت به ایران و نفوذ منطقه‌ای آن شکل خواهد گرفت که باعث کاهش تمایل به ایجاد روابط نزدیک با تهران خواهد شد. چهارم: با لحاظ کردن تهدیدهای پیشین، خصوصاً تهدید سوم، در نتیجه‌ی بازگشت به الگوی تنش میان اعراب و اسرائیل و عدم وجود الگوی ارتباط و دوستی میان اعراب و اسرائیل، به وضعیت فشار اقتصادی بر منطقه، تضعیف روند توسعه در آن و مشکلات عمیق برای جامعه‌ی ایرانی، عربی و عبری

1. World Population Prospects  
2. Worldometer

مواجه خواهیم شد. پنجم: تشدید تنش نفتی فعلی، استفاده از نفت به عنوان سلاح تهدید و یا نقطه‌ی ضعف آسیب‌پذیر بیشتر شده، نفت‌کش‌ها و سکوه‌های نفتی هدف تنش و عملیات خرابکاری خواهند شد.

**فرصت‌های سناریو: نخست:** مهم‌ترین فرصت شکاف در جهان عربی با تأکید بر خلیج فارس است. این شکاف هم‌اینک نیز میان شورای همکاری خلیج فارس، یعنی میان قطر با امارات و عربستان وجود دارد. همه به دنبال مقصر شکست توافق و تنش با ایران و اسرائیل خواهد گشت. دوم: در پی این شکاف، تهران می‌تواند حلقه‌ی ارتباطی خود را با محور ترکیه و قطر در سطح منطقه‌ای تقویت کند. در کنار این، نقش بازیگران خارجی از مجموعه‌ی خاورمیانه، یعنی چین و روسیه که به ایران نزدیک هستند، در این منطقه بیشتر خواهد شد. سوم: در عین حال، ایران به پیشگام و تنها حامی و نیروی پیشران مسئله‌ی فلسطین بدل خواهد شد. چهارم: ایران که فرصت‌های فوق را از این سناریو به دست آورده، زمینه‌های لازم را برای تقویت گروه‌های هم‌سوی فعلی و افزایش این گروه در آینده در مجموعه خواهد داشت. پنجم: مادامی که ایران چنین بستر و منابعی از قدرت و نفوذ را در چارچوب فرصت‌های فوق و آتی داشته باشد، می‌تواند به شعار آرمانی نابودی اسرائیل در صورت لزوم جامه‌ی عمل بپوشاند. ششم؛ پیامد و فرصت دیگری که سناریوی فعلی ایجاد خواهد کرد، خروج آمریکا از مجموعه‌ی امنیتی خاورمیانه و زیرسیستم خلیج فارس خواهد بود. هفتم: در نتیجه‌ی هم‌همی موارد فوق، و به عنوان یکی دیگر از برونده‌های این سناریو، با افزایش قدرت و نفوذ ایران در خاورمیانه، تقویت نفوذ چین و روسیه در این منطقه، افزایش روابط ایران با این کشورها، و خروج آمریکا از منطقه، زمینه برای ناکارآمدی فشارهای غرب بر برنامه‌ی اتمی ایران افزایش خواهد یافت.

**امکانیت سناریو:** با عنایت به تهدیدها و فرصت‌های فوق و مفروض‌های آرمانی این سناریو، باید گفت، احتمال وقوع این سناریوی آرمانی دور از انتظار است. البته در خاورمیانه لحظه‌های رخدادی وجود دارد که می‌تواند ناممکن را به ممکن بدل کند. در صورت چنین لحظه‌های رخدادی به نفع جمهوری اسلامی ایران، امکان تحقق این سناریو، به شکل زیادی بالا خواهد رفت.

### سناریوی مطلوب: بازی برد - برد ایرانی - عربی

**نیروهای کلیدی در محیط منطقه‌ای:** نیروهای اصلی در محیط منطقه‌ای این سناریو عبارت‌اند از اسرائیل، ایران، کشورهای خاورمیانه، با تأکید بر بازیگران حاشیه‌ی جنوبی خلیج فارس، نیروهای نیابتی ایران. در روند عادی‌سازی ایرانی - عربی میان تهران و ریاض، نشانه‌ای از این بازیگران نیز قابل مشاهده بود، چیزی که کمتر کسی انتظار داشت این بود که مذاکرات به زبان‌های فارسی، عربی و ماندارین و با میانجیگری وانگ یی، مقام ارشد دیپلماتیک چین انجام شد (فیگوترا، ۲۴ مارس، ۲۰۲۳). در این سناریو، آرمان‌ها و آرزوهای اولیه‌ی عربی - عبری به نتیجه‌ی مطلوب نرسیده و ناامیدی بر این محور غالب می‌شود. در

عین حال، سیاست‌گذاران ایرانی به‌طور گسترده‌تر رویدادهای منطقه را به نفع خود می‌بینند. کشورهای عربی در حال برقراری مجدد روابط با تهران هستند (برودسکی، ۳ آگوست، ۲۰۲۳).

**انتخاب منطق سناریو:** منطق سناریوی فعلی تکاملی است. لذا آگاهی از این که این تغییرات در حال وقوع هستند، دشوار است. اما برنده بازیگری است که بتواند تغییرات را درک کند. در چارچوب این سناریو، سفر دریاسالار علی شمخانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران، به امارات در مارس ۲۰۲۳ با هدف ایجاد این رویکرد ارتباط و تعامل بود. اعلام این که صلح عربستان و ایران ممکن است تنش در منطقه را بیشتر کاهش دهد، اما به زمان و اقدامات اعتمادساز نیاز است تا این نزدیکی بر سایر درگیری‌ها تأثیر بگذارد (وکیلی و غلامیان<sup>۱</sup>، ۲۸ مارس ۲۰۲۳).

**نیروهای پیشران:** در این سناریو، نیروهای پیشران به دو دسته‌ی اکثریت مخالف توافق ابراهیم و اقلیت موافق آن تقسیم شده و در نتیجه زمینه برای تقویت سناریوی عادی‌سازی توافق ایرانی-عربی فراهم می‌شود. هم‌چنین اهمیت توافق ابراهیم کم شده و منافع مادی زودگذر آن ارزش خود را از دست می‌دهند. به‌عنوان دو مثال کلیدی که بخشی از مباحث این سناریو در حوزه‌ی نیروهای پیشران را توضیح می‌دهد، می‌توان به عمان و قطر اشاره کرد - با وجود تعامل آرام طولانی‌مدت خود با اسرائیل - عادی‌سازی رسمی را رد کرده‌اند. اسرائیل همکاری قطر را در مدیریت روابط با حماس ارزشمند می‌داند. با این حال، مذاکرات محرمانه بین اسرائیل و قطر برای افزایش حضور دیپلماتیک اسرائیل در دوحه در طول جام جهانی فوتبال ۲۰۲۲ به دلیل اصرار اسرائیل برای علنی کردن گفتگوی برنامه‌ریزی شده بین لاپید، نخست‌وزیر وقت اسرائیل و شیخ تمیم بن حمد آل ثانی، امیر قطر، از بین رفت. پس از تأخیرهایی که باعث شد مجلس شورای عمان پیشنهاد گسترش قوانینی را که ارتباط با نهادها و افراد اسرائیلی را ممنوع می‌کند، که در ابتدا در سال ۱۹۷۲ پیشنهاد شده بود، پیشنهاد داد، عمان موافقت کرد که حریم هوایی خود را در فوریه ۲۰۲۳ به روی پروازهای اسرائیل باز کند (وکیلی و غلامیان، ۲۸ مارس ۲۰۲۳). این نشان از عدم توافق جامع بر سر وضعیت توافق یا عدم توافق و نیز ناهمگونی در پیشران‌های مختلف است. در عین حال، باید توجه داشت که در حالی که مانعی برای روابط سطح بالا بین دولت و رهبران تجاری نیست، تقارن سیاسی و فرهنگی بین اسرائیل و امارات هنوز به سطح مردم نرسیده است (وکیلی و غلامیان، ۲۸ مارس ۲۰۲۳). در مقابل، در روند عادی‌سازی ایران و کشورهای عربی با محوریت عربستان، غالب نیروهای پیشران فوق حضور دارند. علی شمخانی، رئیس شورای عالی امنیت ملی ایران و مساعد بن محمد العیسان، مشاور امنیت ملی در شورای وزیران عربستان سعودی، طی چهار روز، از ۱۵ تا ۱۹ مارس ۲۰۲۳، با نقشه راه موافقت کردند. طی صلح، دو طرف توافق کردند موافقت‌نامه‌ی عمومی ۱۹۹۸ برای همکاری در زمینه‌های اقتصاد، تجارت، سرمایه‌گذاری، فناوری، علم، فرهنگ، ورزش و جوانان و موافقت‌نامه همکاری امنیتی ۲۰۰۱ را مجدداً اجرا کنند. آن‌ها

همچنین توافق کردند که به «حاکمیت کشورها و عدم مداخله در امور داخلی» احترام بگذارند (فیگوترا، ۲۴ مارس، ۲۰۲۳).

**تشریح سناریو:** در این سناریو منطق رفتاری ایران بسیار مهم است. اگر ایران در چارچوب رفتارهای انقلابی، تهاجمی و پیگیری آرمان‌های اسلامی که رنگ‌وبوی شیعی داشته باشد و تضاد منافع با کشورهای عربی و سنی ایجاد کند و نیروهای نیابتی آن نیز در نقش‌های انقلابی در سوریه، یمن و لبنان و عراق بر محور تنش‌سازی با سنی‌ها بکوشند، عادی‌سازی عربی-عبری تقویت خواهد شد و امکان عادی‌سازی ایرانی-عربی محدود خواهد شد. البته این به معنای دست‌کشیدن از آرمان‌های انقلاب اسلامی نیست، بلکه باید ابعاد نرم قدرت تقویت و ابعاد سخت نظامی قدرت ایران در حوزه‌ی این آرمان‌ها تعدیل شود. در عین‌حال، این اقدام باعث تقویت روند عادی‌سازی عربی-ایرانی نیز خواهد شد که اکنون در سطح اولیه انجام می‌گیرد. در این مورد، گفت‌وگوهای جدی با ایران، مانند مذاکرات امارات متحده‌ی عربی، یا حتی دوره‌های منظم مذاکرات، برای مثال عربستان سعودی - کشوری که توافق‌نامه‌ی ابراهیم را امضا نکرد- ادامه دارد. در کل منطقه، به‌جای تعمیق شکاف‌ها، تعادل پویا در روابط با گفت‌وگوی محدود میان رقبا مشاهده می‌شود (داشلر، ۵ نوامبر ۲۰۲۲). میانجیگری چین با تشویق پکن به برقراری روابط میان ایران و عربستان نمونه‌ی برجسته‌ی این مورد است. البته عربستان نیز به چنین مذاکراتی علاقه نشان می‌دهد (فیگوترا، ۲۴ مارس، ۲۰۲۳).

**تهدیدهای سناریو:** نخست؛ برخی از آرمان‌های انقلاب مخالف روابط عادی ایران و کشورهای عربی سنی، لذا اگر ایران خواهان عادی‌سازی روابط با اعراب و شکست توافق ابراهیم باشد، ناچار خواهد بود از برخی از این آرمان‌ها دست بکشد. دوم؛ در صورت تن دادن به عادی‌سازی روابط با اعراب، ایران ناچار خواهد شد به مطالبه‌ی عربی برای کاهش و حتی پایان حمایت از برخی از این نیروها، خصوصاً در سوریه و یمن تن دهد. سوم؛ در عادی‌سازی روابط ایرانی و عربی، پاره‌ای اختلافات وجود دارد که مانند پیش‌شرط عمل می‌کنند و حل این اختلافات با کوتاه آمدن ایران باید همراه باشد که باعث تضعیف نیروهای نیابتی و قدرت نفوذ ایران می‌شود. چهارم؛ ایران ناچار است برای عادی‌سازی روابط با کشورهای عربی، به تعدیل رفتار و توافق بر سر مدیریت این تنگه پردازد. پنجم؛ در صورت عادی‌سازی روابط، ایران برای ایجاد اطمینان ناچار خواهد شد تا نه‌تنها صلح‌آمیز بودن این برنامه را ثابت کند، بلکه پاره‌ای فعالیت‌های خود را زیر نظر سازمان انرژی اتمی محدود کرده و از هرگونه تنش‌سازی جلوگیری کند.

**فرصت‌های سناریو:** نخست؛ مهم‌ترین فرصت کند شدن روند توافق ابراهیم، کاهش تمایل به پیوستن کشورهای دیگر به آن و در نتیجه شکست این توافق است. دوم؛ در صورت عادی‌سازی روابط ایران و کشورهای عربی و نیز کندشدن و یا شکست توافق ابراهیم، زمینه برای تقویت آرمان فلسطین فراهم می‌شود. سوم؛ شکل‌گیری الگوهای دوستی از منافع چندی پیروی می‌کند که آن نیز در گرو مبانی هویتی و ارزشی مشترک برای شکل‌گیری این الگو است. چهارم؛ تقویت روابط اقتصادی و تجاری میان کشورهای خلیج فارس، در اوج تنش و تحریم هم ادامه داشت، اما اگر اراده برای عادی‌سازی و امضای توافق‌های تجاری و سرمایه‌گذاری وجود داشته باشد، فرصت‌های زیادی در اختیار جمهوری اسلامی ایران خواهد

گذاشت. پنجم؛ از آنجاکه اولین گام در عادی‌سازی روابط ایران و عربستان، به همت چین برداشته شد، می‌توان انتظار داشت که پکن نقش بیش‌تری در تحولات آینده‌ی این مجموعه بازی کند.

**امکانیت سناریو:** با عنایت به منطق درونی تکاملی این سناریو، نیروهای پیشران در آن، الگوی کلی سناریو، تهدیدها و فرصتهایی که برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی و نیز سیاست داخلی آن ایجاد می‌کند، این سناریو امکان عملیاتی بسیار بالایی به نسبت دو سناریوی پیشین دارد. اگر جمهوری اسلامی به این سناریو نرسد، احتمال بالایی که با یک سناریوی نامطلوب نزدیک به سناریوی نخست مواجه شود، بیش از نیل به سناریوی آرمانی دوم است. نیل به این سناریو، با وجود برخی فداکاری‌ها از سوی ایران، به نفع منافع ملی آن خواهد بود.

### نتیجه‌گیری

در این پژوهش، از مطالعه‌ی ساخت مجموعه‌ی امنیتی خاورمیانه و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر روابط کشورهای این منطقه با یکدیگر در بستر موضوعیت روابط عربی-اسرائیلی و پیامدهای آن برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، می‌توان به این نتیجه رسید که وجود مؤلفه‌های کلیدی هویتی و ارزشی مانند زبان، مذهب، ایدئولوژی و نیز هویت قومی در کنار عناصر ماتریالیستی مانند آب و نفت، اگرچه باعث تفاوت این منطقه از دیگر مناطق جهان شده، اما همین منابع سرچشمه‌ی بسیاری از کشمکش‌ها در این مجموعه برای کسب برتری منطقه‌ای و حضور کشورهای فرمانطقه‌ای قدرتمند مداخله‌گر خارجی در آن شده است. در چارچوب همین مؤلفه، بسیاری از جنگ‌های اعراب و اسرائیل و نیز دوستی ایران در دوران پهلوی با تل‌آویو، پیرامون چنین عناصری به وقوع پیوست. لذا خاورمیانه به‌طور اساسی یک مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای به شمار می‌آید که تنش از مهم‌ترین مؤلفه‌های آن در مناسبات کشورها بوده است. با این‌حال، توافق عادی‌سازی تحت نام پیمان ابراهیم در تلاش است تا این روند را در میان اعراب و اسرائیل به الگوی دوستی بدل نموده و ایران را به معضل امنیتی و دشمن نیروهای متحد تبدیل کند.

در چارچوب چنین روندی است که ایران به یک تهدید امنیتی مشترک عربی-اسرائیلی بدل شد. اما عادی‌سازی با هدف قرار دادن ایران به‌عنوان تهدید مشترک، بیشتر بهانه‌ای برای توجیه نیاز کشورهای عربی به تکنولوژی اسرائیلی و آمریکایی، بی‌میلی اعراب نسبت به مسئله‌ی فلسطین و علاقه‌ی آن‌ها به ایجاد روابط همه‌جانبه با هدف ایجاد اتحاد در منطقه در مقابل ایران بوده است. با این‌حال، ایران قادر به تداوم چنین سطحی از دشمنی با اعراب و اسرائیل در مجموعه‌ی امنیتی خاورمیانه نیست. اعراب نیز حاضر به پذیرش چنین الگویی از دشمنی با ایران برای بلندمدت نیستند، چرا که حاضر به تحمل آسیب‌های چند وجهی تداوم این وضعیت نیستند. در نتیجه، در یک روند منطقی هر دو شروع به ارسال پالس‌هایی برای عادی‌سازی روابط پر تنش کردند.

چنین روندی ذیل سه سناریوی آرمانی مطلوب منتهی رفتار انقلابی ایران؛ سناریوی نامطلوب عادی‌سازی کامل اعراب و اسرائیل که برای ایران یک فاجعه است و مطلوب اعراب و اسرائیل است و در نهایت سناریوی



مطلوب منطقی، توضیح داده شد. دو سناریوی اول، در هر حال احتمال وقوع کمتری دارند، اما در صورت وجود رفتار تند و تهاجمی اعراب، اسرائیل که در تضاد با سناریوی سوم است، باعث احتمال وقوع آنها می‌شود. با این حال، فرض بر امکانیت سناریوی سوم است، اگر دو طرف عربی و ایرانی بتوانند معقول عمل کنند و منافع بلندمدت منطقه‌ای را بر هیجانات زودگذر و دشمنی خطرناک ترجیح دهند.

در همین راستا، از طرف ایران، برای نیل به چنین سناریوی، نخست، جمهوری اسلامی باید موضوع مواجهه با عادی‌سازی مناسبات عبری-عربی را در اولویت سیاست خارجی خود قرار دهد. دوم، در عرصه‌ی سیاست خارجی جمهوری اسلامی، باید برای پیامدهای کوتاه، میان و بلندمدت عادی‌سازی اسرائیل و برخی کشورهای عربی و حضور اسرائیل در خاورمیانه آماده باشند و سیاست‌های تاکتیکی و استراتژیک کشور را در صورت موفقیت و یا شکست عادی‌سازی عبری-عربی از یک سو و شکست یا موفقیت عادی‌سازی عربی-ایرانی از سوی دیگر، بر مبنای عقلانیت استراتژیک و نیز رئالیستی طراحی و به تدریج پیاده سازد. سوم، پیوندهای تهدیدساز نظامی و تهاجمی جمهوری اسلامی با گروه‌های نیابتی باید به پیوندهای تدافعی و فرهنگی و هویتی تغییر کند. چهارم، برای نیل به رویکرد تدافعی، تعاملی و سازنده با کشورهای عربی، خصوصاً بازیگران خلیج فارس، ضروری است دستگاه دیپلماتیک کشور پرچم‌دار روند عادی‌سازی ایرانی-عربی باشد. این اقدام ارسال یک سیگنال مثبت به کشورهای منطقه است. پنجم، جمهوری اسلامی باید با بهره‌گیری از قدرت نرم و نیز تعاملی خود به مقابله با ایران هراسی بپردازد. در این تصویر، بر اشتراکات فرهنگی، هویتی، تاریخی و منطقه‌ای با کشورهای عربی و اسلامی تمرکز شود. ششم، در نهایت نیز، تقویت رفتار تعاملی مبتنی بر عقلانیت گفتمانی در سطح منطقه‌ای از یک سو و حمایت و تبلیغ جهان چندقطبی از سوی دیگر نیز باید در اولویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی قرار گیرد.

## References

- Abdollahkhani, Ali (2010) *Security Theories*, Tehran: Institute for Tehran s Contemporary Abrar. (In Persian)
- Alpher, Y. (2015). *Periphery: Israel's Search for Middle East Allies*. London: Rowman & Littlefield.
- Behraves, Maysam and Azizi, Hamidreza (SEP 14, 2020). Israel's Peace Deals Are a Strategic Nightmare for Iran. Foreign Policy. At: <https://foreignpolicy.com/2020/09/14/israels-peace-deals-are-a-strategic-nightmare-for-iran/>.
- Brodsky, J. M. (August 3, 2023). Iran gleefully eyes the protests in Israel, looking for weaknesses to exploit. In Middle East Institute. At: <https://www.mei.edu/publications/iran-gleefully-eyes-protests-israel-looking-weaknesses-exploit>.

- Bureau of Near Eastern Affairs. (2020). The Abraham Accords Declaration. At: <https://www.state.gov/the-abrahamaccords/>.
- Buzan, B. (1983). *People, States and Fear: The National Security Problem in International Relations*. Brighton: Wheatsheaf Books.
- Buzan, B., Wæver, O., & de Wilde, J. (1998). *Security: A New Framework for Analysis*. London: Lynne Rienner Publishers, Boulder.
- Buzan, Barry and Waever, Ole (2003). *Regions and Power: The Structure of International Security*. New York, United States: Cambridge University Press.
- Diplomatic Bluebook (2022). Japan's Foreign Policy by Region. Ministry of Foreign Affairs of Japan. At: <https://www.mofa.go.jp/policy/other/bluebook/2022/pdf/pdfs/2-7.pdf>.
- Ehteshami, Anoushiravan (1999). *Iran's foreign policy in the era of construction, economy, defense and security*, translated by Ebrahim Motaghi and Zohra Poustin Chi, Tehran: Islamic Revolution Documents Center. (In Persian)
- Figueroa, W. (24 March 2023). Iran-Saudi Normalization: A Regional Process with Chinese Characteristics. In Foreign Policy Research Institute. At: <https://www.fpri.org/article/2023/03/iran-saudi-normalization-a-regional-process-with-chinese-characteristics/>.
- Heiran-Nia, J. (February 21, 2023). Iran boosts military ties with Russia in part to counteract Abraham Accords. In The Henry L. Stimson Center. At: <https://www.stimson.org/2023/iran-boosts-military-ties-with-russia-in-part-to-counteract-abraham-accords/>.
- Israel Policy Pod (2022). Bahrain to the West Bank on the Military Beat. Anna Ahronheim and Judah Ari Gross (podcast). At: <https://israelpolicyforum.org/2022/02/08/bahrain-to-the-west-bank-on-the-military-beat>.
- Javan Shahraki, Maryam (2013). Extreme Securitization: U.S. Foreign Policy and the Iran-Iraq War (1980- 1988). *Iranian Review of Foreign Affairs*, Vol. 3, No. 4.
- Jennings, Nathan A. and Trottier, Kyle (December 16, 2022). The 1973 Arab-Israeli War: Insights for Multi-Domain Operations. Association of the United States Army. At: <https://www.ausa.org/publications/1973-arab-israeli-war-insights-multi-domain-operations>.
- Jewish Agency for Israel (November 29, 1947). 3 Minutes, 2,000 Years. At: <https://ghostarchive.org/varchive/rEGUPlhtMWQ>.
- Kahl, Colin H.; Dalton, Melissa G. and Irvine, Matthew (2012). Risk and Rivalry Iran, Israel and the Bomb. Center for New American Security. At: [https://www.files.ethz.ch/isn/144190/CNAS\\_RiskandRivalry\\_Kahl\\_0.pdf](https://www.files.ethz.ch/isn/144190/CNAS_RiskandRivalry_Kahl_0.pdf).
- London, D. (October 16, 2020). The Abraham Accords plays into Iran's hands and opens the door for al-Qaeda In Atlantic Council. At: <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/iransource/the-abraham-accords-plays-into-irans-hands-and-opens-the-door-for-al-qaeda/>.
- MEE Staff (August 21, 2020). Eye No normalization with Israel without Palestinian state, Saudi royal says. Middle East. At: <https://www.middleeasteye.net/news/saudi-israel-normalisation-palestinian-state-turki-alfaisal>.
- Nations Online (1 July 2023). Political Map of North Africa, the Middle East, and the Arabian Peninsula. At: <https://www.nationsonline.org/oneworld/map/north-africa->

- map.htm. And [https://www.nationsonline.org/oneworld/map/small\\_middle\\_east\\_map.htm](https://www.nationsonline.org/oneworld/map/small_middle_east_map.htm).
- Norlen, T., & Sinai, T (2020). The Abraham Accords – Paradigm Shift or Realpolitik? The Marshall Center. Number 064T: <https://www.marshallcenter.org/en/publications/security-insights/abraham-accords-paradigm-shift-or-realpolitik>
  - Pew Researcher Center (2009). Mapping the Global Muslim Population. At: <https://www.pewforum.org/2009/10/07/mapping-the-global-muslim-population/>.
  - Rubin, U. (February 2020). Operation ‘Shahid Soleimani’: Iran’s Revenge. Begin-Sadat Center for Strategic Studies, Mideast Security and Policy Studies No. 170.
  - Schwartz, Peter (1998). *The art of long view: Planning for the future in an uncertain world*. England: Wiley.
  - Singer, J. (2021). The Abraham Accords: Normalization Agreements Signed by Israel with the UAE, Bahrain, Sudan, and Morocco. *International Legal Materials*, 60(3), 448-463.
  - Vakil, S., & Quilliam, N. (28 MARCH 2023). The Abraham Accords and Israel–UAE normalization. In Chatham House. At: <https://www.chathamhouse.org/2023/03/abraham-accords-and-israel-uae-normalization/07-how-leverage-abraham-accords-challenges-and>.
  - World Population Prospects (2022). *Arab world Population*. United Nations Department of Economic and Social Affairs. At: [Population.un.org](https://www.un.org/popstat/).
  - Worldometer (2023). Israel Population. At: <https://www.worldometers.info/world-population/israel-population/>.
  - Yossef, Amr (March 2021). The Regional Impact of the Abraham Accords. Modern War Institute. Report, series 2021, no. 2.
  - Zions, D. M. (2006). Revisionism and its variants: Understanding state reactions to foreign policy failure. *Security Studies*, 15(4): 631-657.